

# هویت معلم

به آنچه که باید و دوست دارد که باشد، تبدیل شود. بنابراین، هر معلمی در طول زمان، به طور طبیعی، مراحل هویتی مختلفی را تجربه می‌کند و از معلم عادی به کارشناس و بعد به مرشد (منتور)<sup>۵</sup> مبدل می‌شود که علاوه بر الگوبودن، می‌تواند سایر معلمان را راهبری کند؛ هر چند که ممکن است برخی هرگز به مراحل بعدی نرسند.

عوامل مؤثر بر هویت حرفه‌ای معلم متعدّدند و موارد خرد و کلانی را دربرمی‌گیرند. مثلاً شرایط محیط کار، کلاسی که در آن درس می‌دهند، مواد آموزشی، منابع کمک‌آموزشی، و حقوق و مزایا از جمله عوامل زمینه‌ای هستند که در شکل‌گیری هویت حرفه‌ای معلم نقش دارند. اما عوامل فرهنگی-اجتماعی و سیاسی-اقتصادی نیز در شکل‌گیری آن تأثیری بسزا دارند.

## هر معلمی در طول زمان، به طور طبیعی، مراحل هویتی مختلفی را تجربه می‌کند و از معلم عادی به کارشناس و بعد به منتور (مرشد) مبدل می‌شود

اساساً در جوامعی که معلمان منزلت اجتماعی بالایی دارند، هویت حرفه‌ای معلمان نیز انسجام بیشتری دارد و رضایت شغلی آنان نیز بیشتر است. البته یکی از عوامل مهمی که بر رضایت شغلی تأثیر زیادی دارد، جنبه‌های اقتصادی و حقوق و رفاه مناسب است. رضایت شغلی با فرسودگی شغلی، نسبتی معکوس دارد و هر دو مورد در شکل‌گیری هویت معلم مؤثرند. علاوه بر این، از نقش سیاست‌های آموزشی بر رشد هویت حرفه‌ای معلمان هم نباید غافل شد و سیاست‌گذاری‌های آموزشی باید به گونه‌ای باشند که به امر استقلال نسبی معلم، به اندازه کافی توجه کنند؛ چرا که یک سیاست نادرست ممکن است به هویت حرفه‌ای مدرّس خدشه وارد کند.

تجربه تدریس نیز از عوامل بسیار مهم و مؤثر در شکل‌گیری هویت حرفه‌ای معلم است که به همان موضوع رشد و تکامل شخصیت معلم اشاره دارد. درحقیقت انتظار آن است که با

«هویت»<sup>۱</sup> که معادل فارسی آن «کیستی» است، تعریف‌های گوناگونی دارد که همگی بر «فردیت»<sup>۲</sup> و «خود»<sup>۳</sup> شخص تأکید دارند. هویت شامل خاطره‌ها، تجربه‌ها، نگرش‌ها، ویژگی‌های فردی (اعم از شخصیتی و ظاهری)، رابطه‌ها (اعم از خانوادگی و اجتماعی)، جنسیت، ارزش‌گذاری‌ها، باورها و به طور کلی مواردی است که شخص را از دیگران متمایز می‌سازد و حس ثابتی از فردیت ایجاد می‌کند؛ هر چند که طبق نظریه‌های جدید، همواره نمی‌توان از این «ثبات» اطمینان کامل داشت. به این معنی که در دهه‌های اخیر، مفهوم «خود» و «اجتماع» به قدری دچار دگرگونی‌های جدی شده‌اند که مفهوم «هویت» را به شکلی بنیادین تغییر داده‌اند.

این اصطلاح با مفهوم «سوژه»<sup>۴</sup> دکارتی، فیلسوف فرانسوی قرن هفدهم، که می‌گفت: «من فکر می‌کنم، پس هستم!»، پیوندی تنگاتنگ دارد. اما وقتی از مفهومی با عنوان «هویت معلم» و به طور دقیق‌تر، «هویت معلم زبان» سخن می‌گوییم، موضوع ابعاد پیچیده‌تری به خود می‌گیرد. به نحوی که می‌توان گفت هویت نقشی کلیدی در حوزه آموزش زبان دارد. در حقیقت، بسته به رشته و حوزه‌ای که معلم در آن تدریس می‌کند، او باید نیازها و ضروریات آن حوزه را بشناسد و ویژگی‌های لازم را داشته باشد یا کسب کند تا بتواند برای تدریس در آن رشته، موفق شود و گروه معلمان آن حوزه، او را بپذیرند. تعلق و وابستگی به یک «گروه» یا «سازمان» یکی از مواردی است که در ایجاد هویت حرفه‌ای نقش دارد و در ادامه بحث، به آن بیشتر خواهیم پرداخت.

با این توضیحات روشن می‌شود که معلم، علاوه بر هویت فردی، دارای هویت‌های اجتماعی، فرهنگی، شغلی (حرفه‌ای) و آموزشی نیز هست که در طول زمان با هویت فردی او تعامل و گاهی تعارض و چالش دارند. اغلب معلمان در آغاز کار و حتی در دوره تحصیل و پیش از اینکه در این حرفه مشغول به کار شوند، «الگویی» در ذهن خود دارند که «معلم آرمانی» آن‌هاست و دوست دارند اگر معلم شدند، فردی شبیه به او باشند. در عمل هم معمولاً معلم تلاش می‌کند تا از آنچه هست،

آموزش زبان خارجی فرایندی همه جانبه، یعنی اجتماعی، فرهنگی، تربیتی، سیاسی، اقتصادی و البته آموزشی است که انجام درست آن مستلزم ایجاد، توسعه یا اصلاح هویت فردی، اجتماعی و حرفه‌ای معلم است



است که همگی به بهبود و نقش مثبت این رابطه کمک کنند. البته اساساً بود و نبود این تنش و میزان آن، بستگی زیادی به نوع معلم دارد. به این معنا که طبیعتاً واکنش معلمان سازگار، همدل و باتجربه نسبت به این عوامل / افراد، واکنشی درست‌تر و پخته‌تر خواهد بود.

آموزش زبان خارجی فرایندی همه جانبه، یعنی اجتماعی، فرهنگی، تربیتی، سیاسی، اقتصادی و البته آموزشی است که انجام درست آن مستلزم ایجاد، توسعه یا اصلاح هویت فردی، اجتماعی و حرفه‌ای معلم است. به بیان دیگر، آموزش و در اینجا، آموزش زبان، ارتباطی عمیق با هویت معلم دارد که شناخت آن و تلاش در جهت رشد و تکامل آن، به بهبود امر آموزش یاری می‌رساند. در ضمن از آنجا که زبان با فرهنگ، رابطه‌ای عمیق و تنگاتنگ دارد، موضوع هویت فرهنگی در آموزش زبان بیش از سایر درس‌ها جلوه‌گر است و توجه بیشتری را، چه از سوی معلم و چه از طرف دانش‌آموز و البته اولیای امور، طلب می‌کند. گرچه هویت موضوعی است که بحث درباره آن مجال بیشتری را می‌طلبد، اما در این شماره تلاش شده است به برخی از جنبه‌های آن در قالب مقاله پرداخته شود.

#### پی‌نوشت‌ها

1. Identity
2. Individuality
3. Self
4. Subject
5. Mentor

افزایش سابقه تدریس، هویت حرفه‌ای معلم نیز منسجم‌تر و کامل‌تر شود. ضمن اینکه هویت معلم بر شکل‌گیری هویت دانش‌آموزان نیز تأثیر دارد که مصداق بارز آن، همان موضوع الگوبرداری دانش‌آموزان از معلمانی است که در نظر آنان شاخص و برجسته هستند. البته این موضوع نیز حالتی دو طرفه دارد؛ چرا که هویت معلمان، اساساً در تعامل و ارتباط با «دیگران» شکل می‌گیرد.

دانش معلم - و در اینجا دانش زبانی - نیز در کنار تجربه تدریس، نقشی مکمل دارد. دانش‌آموزان معمولاً از معلمانی به نیکی یاد می‌کنند که ضمن داشتن سایر محاسن حرفه‌ای و شخصیتی، از دانش قابل قبولی برخوردار باشند. در نتیجه، علاوه بر تلاش‌های شخصی هر معلم برای بالا بردن دانش خود، برگزاری دوره‌های آموزشی و ضمن خدمت نیز می‌تواند بر هویت حرفه‌ای او تأثیر بگذارد.

ضمناً این نکته را هم باید در نظر داشت که عوامل زیادی وجود دارند که هویت معلم را به چالش می‌کشند و به اصطلاح برای او «تنش هویتی» ایجاد می‌کنند. مدیران، ناظران (کارشناسان نظارت و ارزیابی)، معلمان همکار، یادگیرندگان و والدین از جمله عواملی هستند که علاوه بر کمک به شکل‌گیری هویت معلم، آن را به چالش می‌کشند. در صورتی که معلمی نتواند رابطه‌ای درست و سازنده با این عوامل برقرار کند، برای او نقشی مخرب و بازدارنده خواهند داشت. هر چند که از آن سو، نحوه ارتباط این عوامل با معلم هم اهمیت زیادی دارد و لازم